کسب و کار

چرا رفتار کارفرماها با نیروی کار تغییر کرده است؟

«برد برای جذب استعداد» که مدت‌ها در شرکت‌های آمریکایی رواج داشت، این روزها بیشتر به «برد علیه استعداد» تبدیل شده است.

پیش از این، مدیران به طور معمول کارکنان را ارزشمندترین دارایی خود می‌دانستند. تا حدی که برخی از کارفرماها تعدادی از استعدادها را برای روز مبادا نگه می‌داشتند؛ حتی اگر کار کافی برای آنهایی که تازه استخدام شده بودند، وجود نداشت.

اما امروز، با لهجات بزرگی که آینده اقتصاد را در بر گرفته، مدیران بی‌پرده می‌گویند که کارکنان باید سخت‌تر کار کنند. کمتر گلایه کنند و از اینکه هنوز شغلی دارند، شکرگزار باشند.

«تعادل بین کار و زندگی، مشکل خودتان است.» این جمله را اخیرا «ایا گرید» یکی از بنیان‌گذاران شرکت تولید لباس‌های فرم «کیکسمز» و مدیرعامل برند پوشاک «گود امریکن» بیان کرده است. پس از اخراج اخیر بیش از ۱۰۰۰ نفر، برایان نیکول، مدیرعامل استارباکس، گفت که کارکنان باقی‌مانده شرکت باید سرسخت‌تر باشند و «مسوولیت رشد یا عدم‌رشد این شرکت را برعهده بگیرند».

جیمی دیمون، مدیرعامل جی‌پی مورگان، در جلسه‌ای داخلی که با کلمات تندی همراه بود، به کارکنانی که از اجباری شدن بازگشت به کار پس از دورکاری‌ها گلایه می‌کردند گفت که این موضوع برایش اهمیتی ندارد.

او گفت: «دیگر از این وضعیت خسته شده‌ام. از زمان شیوع کرونا، هفت روز هفته کار کردم؛ حالا که می‌آیم سر کار، بقیه کجایند؟»

این تغییر لحن، نشان‌دهنده تغییر قدرت است. حالا که شرکت‌ها در حال کاهش تعداد کارکنان اداری خود هستند و پیدا کردن شغل سخت‌تر شده، بسیاری از کارکنان می‌بینند که مزایا از بین می‌روند و شکایاتشان نادیده گرفته می‌شود.

آخرین نمونه این اتفاق، ماه گذشته در یک جلسه پرحاشیه در شرکت اپیور رخ داد. این شرکت به تازگی شرایطی را که کارکنان با سابقه ۵ سال می‌توانستند یک ماه مرخصی با حقوق دریافت کنند به ۵ سال سابقه کار تغییر داد. تصمیم برای اجباری کردن سه روز کار حضوری در هفته به جای دو روز نیز با اعتراضاتی مواجه شد. دارا خروشاهی، مدیرعامل اپیور، به کسانی که از این تغییرات ناراضی بودند، پیشنهاد کرد که با آن کنار بیایند.

او در اظهاراتی که اپتنا توسط CNBC گزارش شد، گفت: «می‌دانیم که برخی از این تغییرات باب میل همه نیست. این ریسکی بود که تصمیم گرفتیم بپذیریم.»

مدیران تا چه حد اجازه دارند با کارکنان با لحنی تند صحبت کنند؟ نمونه‌اش جنجال سال ۲۰۲۳ بود. زمانی که رئیس شرکت میلمان میارتان به کارکنانی که نگران پاداش‌هایشان بودند، گفت: «این قدرتنه من غریبم بازی درنیاورید!»

این حرف، که در یک تماس ویدئویی زده شد، بلافاصله وایرال شد و روزها تیتر خبرها بود و واکنش منفی کارکنان را به دنبال داشت. اندی اوپن، مدیرعامل شرکت، به سرعت عذرخواهی کرد و گفت که در بیان اظهارشان بی‌ملاحظه بوده است.

در مقابل، پس از جلسه عمومی اپور، نیکی کریشنامورتی، مسوول ارشد منابع انسانی شرکت، بیانیه‌ای نوشت و اعلام کرد با برخی از کارکنان که ناراضیتی خود را با بی‌احترامی ابراز کرده بودند، صحبت خواهند شد.

کارکنانی مثل دانی دانسلمن، که اخیرا در یک شرکت خدمات فناوری کار می‌کرد، این تغییر در توازن قدرت را حس می‌کند. این مرد ۴۷ ساله که به دنبال شغل‌های جدید در حوزه تکنولوژی است، متوجه شده که بسیاری از شرکت‌ها این روزها از متقاضیان می‌خواهند وظایف زیادی را انجام دهند؛ به طوری که یک موقعیت شغلی اساسا «سه شغل در یک شغل» است. او می‌گوید: «آنهایی خواهند رُس کارکنان را بکشند.»

دانسلمن در طول جستجویش برای کار، سعی می‌کند فرهنگ شرکت‌ها را بشناسد؛ چون متوجه لحن تند مدیران عامل شده‌اون را نگران کننده می‌داند. او که نزدیک لکسینگتون، کنتاکی زندگی می‌کند، می‌گوید: «شما با این کارتان فقط ترس در دل مردم می‌اندازید و از این کار نتایج خوبی نمی‌گیرید.»

به گفته مایکل مک‌کاچن، استادیار روان‌شناسی کاربردی در دانشگاه نیویورک و مجری اپرایی، پشت لحن تندتر مدیران عامل، یک شکاف عمیق بین کارکنان و مدیران اجرایی وجود دارد.

او توضیح می‌دهد که برخی کارکنان طوری رفتار می‌کنند که گویی هنوز سال ۲۰۲۱ است زمانی که به خاطر کمبود نیروی کار و افزایش استعفاها، می‌توانستند هر خواسته‌ای داشته باشند. اما حالا، مدیران با جنگ تجاری جهانی و کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان روبه‌رو هستند و احساس می‌کنند برای بقا باید انتظارات بیشتری از کارکنانشان داشته باشند. مک‌کاچن می‌گوید: «این یک رویکرد واقع‌بینانه است.»

دونالد ترامپ و مشاور میلیاردرش، ایلان ماسک، با تلاش برای کاهش نیروی کار فدرال، در دامن زدن به این لحن تهاجمی‌تر نقش داشته‌اند.

همان‌طور که ترامپ کمی پس از آغاز ریاست جمهوری‌اش گفت: «همه قبل تعویض‌اند.» ماسک هم در ماه فوریه، از کارکنان فدرال خواست تا لیمیلی از کارهایی که در هفته گذشته انجام داده‌اند، ارسال کنند. او این درخواست را «سنجش نبض» نامید تا ثابت کند که آیا آنها اصلا کاری می‌کنند یا نه!

پیشرفت‌های هوش مصنوعی مولد نیز در این ماجرا بی‌تاثیر نبوده‌اند. تومی لونگه، مدیرعامل شرکت شایی‌فای، اخیرا به کارکنانش گفته که این شرکت تجارت الکترونیک نیروی جدید استخدام نخواهد کرد و دیگر اینکه مدیران بتوانند ثابت کنند هوش مصنوعی قادر به انجام آن کار نیست دیگر مدیران کسب و کار هم به کارکنانشان هشدار می‌دهند که با هوش مصنوعی همراه شوند، وگرنه با مشکل مواجه خواهند شد.

میشا کافمن، مدیرعامل فضای فریلنسی «فیور» (Fiverr)، ماه گذشته در یک یادداشت داخلی برای کارکنان شرکتش نوشت: «هوش مصنوعی به سراغ شغل‌های شما می‌آید حتی به سراغ شغل من هم می‌آید. این یک زنگ خطر است. کسانی که بیدار نشوند و واقعیت جدید را سریع درک نکنند متاسفانه محکوم به فنا هستند.»

چارلز ا اورایلی، استاد مدیریت در دانشگاه استنفورد، می‌گوید روزی ورق برمی‌گردد و دوران خوشی دوباره برای کارکنان فرا می‌رسد. او می‌گوید: «وقتی بازار تغییر کند و فرصت‌های شغلی فراوان شود، آن وقت مدیران عامل دوباره شروع به صحبت درباره اهمیت کارکنان خواهند کرد و کارکنان هم از این وضعیت به نفع خود استفاده خواهند کرد.»

اما فعلا بعضی از مدیران معتقدند که کاهش تعداد کارکنان، به بهره‌وری بیشتر کمک می‌کند.

مترجم: زهرا تیرانی
منبع: Wall Street Journal

پیش بینی تبدیل تونل های مترو به پناهگاه

رئیس شورای اسلامی شهر تهران: برای استفاده از مترو باید آن را تعطیل کرد؛ اما در شرایط خیلی حاد می‌توان استفاده کرد. مترو‌ها چون زیر زمین دارند پناهگاه‌های مناسبی هستند.

به گزارش پیام آشنا: به نقل از همشهری آنلاین، مهدی چمران در جلسه دیروز در حاشیه سیصد و سی و چهارمین جلسه شورای شهر تهران با اشاره به شهادت حسن، تبریک عید غدیر و شهادت فرماندهان، مردم و کودکان کشور، اظهار کرد: از معاونت خدمات شهری و ستاد بحران دعوت کردیم تا گزارش چند روز اخیر را ارائه دهند. آن‌شاءالله از آتش نشانی هم برای ارائه آخرین وضعیت شهر دعوت خواهیم کرد. همچنین «چهل و هفتمین صورتجلسه کمیسیون نامگذاری و تغییر نام اماکن و معابر عمومی شهر تهران» و همچنین تعداد ۱۳ پلاک ثبتی از حیث باغ و غیرباغ بودن در جلسه امروز تعیین تکلیف می‌شود.

وی با اشاره به وضعیت پناهگاه‌های سطح شهر گفت: در تهران و شهرهای دیگر متأسفانه با صورت کامل پناهگاهی نداریم؛ باتوجه به تجربه زمان جنگ باید از همان پناهگاه‌های گذشته استفاده کنیم. در زمان جنگ نیز یک ستادی تشکیل شد که من هم در آن حضور داشتم و طرح ایجاد پناهگاه‌های مختلفی در آن در نظر گرفته شد. برنامه‌ای که بررسی شد ساخت دیواره‌های بتنی بود که اتفاقا چند روز اخیر این طرح‌ها را دوباره بررسی کردم. این پناهگاه‌ها مثل سنگرهای جنگ است که با پیچ و مهره به هم وصل می‌شوند. دوستان ما بایستی روی این موضوع کار کنند و بایستی برنامه‌ریزی درستی در این زمینه انجام شود.

رئیس شورای شهر تهران اضافه کرد: می‌بینید تل آویو زیر بمباران شدید قرار می‌گیرد؛ اما باتوجه به سنگرهایی که دارند، تعداد کشته زیادی ندارند و مرتبا در حال تمرین در این خصوص هستند. ما در زمان جنگ در خوزستان و در شهر اهواز شروع به ساختن پناهگاه‌ها کردیم و در تهران مردم به زمین‌ها می‌رفتند تا بمباران به پایان برسد. با این حال امروز باید یک کار مهندسی انجام شود؛ خیلی از کشورها در استانداردهای ساختمانی پناهگاه دارند؛ حتی کشوری مثل سوئیس پناهگاه‌های مقابله با تشعشعات اتمی دارد.

وی در پاسخ به سوالی درباره استفاده از مترو و سوله‌های بحران در این زمینه بیان کرد: برای استفاده از مترو باید آن را تعطیل کرد؛ اما در شرایط خیلی حاد می‌توان استفاده کرد. مترو‌ها چون زیر زمین دارند پناهگاه‌های مناسبی هستند. اما استفاده از سوله‌های بحران در مقابل بحران مناسب نیست؛ این سوله‌ها برای استفاده از وسایل ضروری در شرایط ضروری مورد استفاده قرار می‌گیرند و بیشتر برای زلزله ساخته شده‌اند نه بمباران.

چمران در پایان تاکید کرد: به هر حال هم مترو‌ها و هم پارکینگ‌های طبقاتی وزارت خانه‌ها و ساختمان‌های بلند مکان‌های خوبی هستند که می‌شود برای بحران خاص آن‌ها را آماده کرد. ما با شهرداری برنامه‌ریزی کردیم که جلسه بگذاریم؛ با استانداری و فرمانداری نیز باید جلساتی برگزار کنیم و در این زمینه تقسیم وظایف کنیم. البته ان‌شاءالله کار به آنجا نرسد اما اگر مورد حمله قرار می‌گرفت و باید آمادگی لازم را پیدا کنیم به لطف خدا اتفهای این مسیر قطعا پیروزی خواهد بود.

ضوابط و مقررات ساختمانی برای مواقع جنگ

نسترن کیوان‌پور- این مقاله به بررسی ضوابط و مقررات ساختمانی برای کاهش تلفات و خسارات در مواقع جنگ در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ می‌پردازد. تمرکز بر کشورهایی مانند سوئیس، که به دلیل سیستم جامع پناهگاه‌های زیرزمینی پیشرو هستند، و همچنین مصالح و استانداردهای کلیدی است. اطلاعات از منابع معتبر جمع‌آوری شده و تحلیل جامعی از رویکردهای جهانی ارائه می‌دهد.

در جهانی که تهدیدات جنگی همچنان وجود دارد، طراحی و ساخت ساختمان‌هایی که بتوانند در برابر حملات نظامی مقاومت کنند، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. این مقاله به بررسی ضوابط و مقررات ساختمانی در دهه گذشته (۲۰۱۵-۲۰۲۵) می‌پردازد که با هدف کاهش تلفات و خسارات در شرایط جنگی تدوین شده‌اند. سوئیس به عنوان یک کشور پیشرو در این زمینه، همراه با سایر کشورها و استانداردهای بین‌المللی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوئیس: الگوی جهانی در حفاظت مدنی

سوئیس به دلیل سیستم جامع پناهگاه‌های زیرزمینی خود، به‌ویژه از زمان تصویب قانون حفاظت مدنی در سال ۱۹۶۳، به عنوان رهبر جهانی در ضوابط ساختمانی برای مواقع جنگ شناخته می‌شود. این قانون الزام می‌کند که هر شهروند، از جمله خارجی‌ها و بی‌خانمان‌ها، به یک پناهگاه دسترسی داشته باشد. بر اساس گزارش‌ها، سوئیس بیش از ۳۰۰۰۰۰ پناهگاه عمومی و خصوصی دارد که ظرفیت پوشش تمام جمعیت ۹ میلیونی این کشور را فراهم می‌کند. این پناهگاه‌ها برای مقاومت در برابر حملات هوایی، موشکی و تابش هسته‌ای طراحی شده‌اند و به عنوان یک استاندارد جهانی در نظر گرفته می‌شوند.

تاریخچه توسعه پناهگاه‌ها

توسعه سیستم پناهگاهی سوئیس به دوران جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد، زمانی که این کشور رامبرد "دُفاع از قلعه ملّی" را برای حفظ خنثی‌گرایی خود اتخاذ کرد. در این دوره، شبکه‌ای از پناهگاه‌ها و موانع نظامی در کوهستان‌ها ساخته شد. با آغاز جنگ سرد، تمرکز بر ساخت پناهگاه‌های هسته‌ای افزایش یافت و قوانین سختگیرانه‌ای برای تضمین دسترسی هر شهروند به پناهگاه وضع شد. این سیستم در دهه‌های بعدی نیز حفظ شد و با تحولات جهانی، مانند حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، اهمیت آن دوباره مورد توجه قرار گرفت.

مصالح و استانداردهای ساختمانی

مصالح اصلی مورد استفاده در پناهگاه‌های سوئیس، بتن مسلح است که به دلیل مقاومت بالا در برابر فشارهای ناشی از انفجار و تابش هسته‌ای انتخاب شده است. طراحی این پناهگاه‌ها شامل ویژگی‌هایی مانند دیوارهای ضخیم، سقف‌های تقویت‌شده و سیستم‌های تهویه مستقل است که از ورود آلاینده‌ها و تابش جلوگیری می‌کند.

استانداردهای ساخت

قوانین سوئیس الزام می‌کنند که هر ساختمان جدید شامل یک پناهگاه باشد یا مالکان آن هزینه‌ای برای ساخت پناهگاه‌های عمومی پرداخت کنند. این استانداردها شامل الزاماتی برای اندازه، مقاومت و تجهیزات پناهگاه‌ها است. برای مثال، هر پناهگاه باید حداقل یک متر مربع فضا برای هر نفر فراهم کند. علاوه بر این، استانداردهای بین‌المللی مانند ASCE ۵۹-۲۲ (حفاظت از ساختمان‌ها در برابر انفجار) و ASCE ۷۶-۲۳ (جلوگیری از فروپاشی ناگهانی) نیز در طراحی ساختمان‌های مقاوم در برابر تهدیدات جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این موارد به شرح زیر است:

مصالح: بتن مسلح برای مقاومت در برابر انفجار و تابش طراحی: دیوارهای ضخیم، سقف‌های تقویت‌شده، سیستم تهویه مستقل

قانون: الزام دسترسی هر شهروند به پناهگاه (قانون ۱۹۶۳)

تعداد: بیش از ۳۰۰،۰۰۰ پناهگاه عمومی و خصوصی

سایر کشورها و استانداردهای جهانی

علاوه بر سوئیس، کشورهای دیگری نیز در حال توسعه ضوابط ساختمانی برای مواقع جنگ هستند. نروژ در سال ۲۰۲۵ قانونی را اجرا کرد که تمام ساختمان‌های جدید شامل پناهگاه هوایی باشند. آلمان نیز در حال بحث درباره ساخت پناهگاه‌های مدنی است. هرچند هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده است.

در سطح جهانی، استانداردهایی مانند ASCE ۵۹-۲۲ و ASCE ۷۶-۲۳ راهنمایی‌هایی برای طراحی ساختمان‌هایی ارائه می‌دهند که بتوانند در برابر انفجارها مقاومت کنند. این استانداردها با جلوگیری از فروپاشی ناگهانی، کاهش خطرات ناشی از پرتابه‌ها و ایجاد فاصله ایمن از تهدیدات فیزیکی تمرکز دارند.

تحولات اخیر و آینده

با افزایش تنش‌های جهانی، به‌ویژه پس از حمله روسیه به اوکراین، توجه به حفاظت مدنی دوباره افزایش یافته است. سوئیس در سال ۲۰۲۴ اعلام کرد که قصد دارد شبکه پناهگاه‌های قدیمی خود را مدرن‌سازی کند و برخی ساختگاه‌های موجود در قوانین را حذف کند. این به‌روزرسانی‌ها شامل بهبود سیستم‌های تهویه و تقویت ساختارهای قدیمی است.

علاوه بر این، سوئیس نقش مهمی در صادرات تخصص خود در زمینه طراحی و ساخت پناهگاه‌ها ایفا می‌کند. که تجهیزات تهویه تولید می‌کنند به کشورهای دیگر خدمات ارائه می‌دهند. این صادرات نه تنها به اقتصاد سوئیس کمک می‌کند، بلکه استانداردهای جهانی را نیز ارتقا می‌دهد.

ضوابط و مقررات ساختمانی برای مواقع جنگ نقش حیاتی در کاهش تلفات و خسارات دارند. سوئیس با سیستم جامع پناهگاه‌های خود، که عمدتاً از بتن مسلح ساخته شده‌اند، به عنوان الگویی جهانی شناخته می‌شود. در حالی که کشورهای دیگر مانند نروژ و آلمان در حال توسعه استانداردهای مشابه هستند، سوئیس همچنان پیشتاز این حوزه است. با توجه به تحولات اخیر و افزایش تنش‌های جهانی، انتظار می‌رود که اهمیت این ضوابط در آینده نیز افزایش یابد.

چکاپ بدمسکن‌ها در آزمایشگاه «کیبرا»

چکاپ بدمسکن‌ها در آزمایشگاه بزرگ‌ترین محله زاغه‌نشین جهان در «کیبرا» سرانجام توانست به این سوال پاسخ دهد که سیاستگذاری در رابطه با بدمسکن‌ها باید در جهت «جابه‌جایی مسکن باشد یا افزودنی در مرحل؟» زیرا مهم‌ترین سوال سیاستگذاران شهری در جهان برای حل معضل زاغه‌نشینی در شهرها این است «خانه خوب یا مهیت مناسب؟»

زندگی فقرا در محله‌های غیررسمی شهرها، یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی است که کشور با آن مواجه است. چرا که جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در کل کشور در سکونتگاه‌های غیررسمی یا همان زاغه‌ها سکونت دارند و از ابتدایی‌ترین استانداردهای زندگی محروم هستند. با وجود ۱۰ میلیون بدمسکن در کشور و وضعیت بحرانی بسیاری از مستاجران در تامین هزینه‌های زندگی و پرداخت اجاره‌بها در سفری که اخیرا یک تیم مدیریتی از وزارت راه و شهرسازی برای شرکت در جلسات دوره‌ای هیئت در کیبا داشته، به‌جای شکار تجربه‌های موفق از بزرگترین آزمایشگاه بدمسکن‌ها در کنیا پیشنهاد ساخت چند ده‌هزار واحد مسکونی توسط ایران در کنیا را مطرح کردند. در واقع، نتیجه سفر این تیم مدیریتی مصداق کامل «ببرو به کرمان برمن» است. زیرا فرصت بهره‌مندی از حضور در ابرآزمایشگاه جهان در نابرویی کنیا را از دست نداد. اما «دنیای اقتصاد» به منظور جبران این فرصت از دست رفته، یک مطالعه تحقیقاتی از تجربه ۲۱ ساله بهسازی نابرویی در منطقه زاغه‌نشین «کیبرا» انجام داده است تا شاید مسوولان و متولیان وزارت راه و شهرسازی با مطالعه این گزارش، راه نجات بدمسکن‌ها از محله‌های غیررسمی را از بیراهه سیاستی تغییر بدهند.

بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده در ایران نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی اقامت می‌کنند که از این تعداد بیش از ۹۰۰ هزار نفر در حاشیه شهر تهران اسکان یافته‌اند و این شکل غیررسمی زندگی حتی به داخل شهر تهران نیز نفوذ کرده که می‌توان آن را در محدوده پل مدیریت به روشنی مشاهده کرد. در ایران دو نوع بدمسکن وجود دارد. نوع اول مستاجرانی هستند که بخش زیادی از درآمد خود را به اجاره‌بها اختصاص می‌دهند. این در حالی است که «هیبنات» مقدار مجاز اجاره‌بها را حدود ۳۰ درصد درآمد اولام اعلام کرده است. نوع دیگر بدمسکنی به محله‌ها و مناطقی اطلاق می‌شود که از استانداردهای حداقلی همچون سرینه مناسب، آب، برق و دیگر امکانات اولیه محروم هستند که به آن «سکونتگاه‌های غیررسمی» یا «زاغه‌نشینی» می‌گویند که جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در کل کشور در آن زندگی می‌کنند.

در کنار این تجربه ناموفق در ساماندهی وضعیت زاغه‌نشین‌های کشور، یک مورد جهانی وجود دارد که در دو دهه گذشته به «آزمایشگاهی برای بدمسکن‌ها» تبدیل شده است. کیبرا قاره آفریقا که بزرگ‌ترین جایگاه زاغه‌نشینی در جهان است، طی مدت ۲۱ سال با حمایت نظارت و مشارکت هیئت‌ها، با آزمون و خطا، سیاست‌هایی را در حوزه بدمسکنی و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به اجرا درآورده است. سیاست‌هایی که با هدف نجات بدمسکن‌ها و کاهش فقر مسکن و. عملیاتی شد «دنیای اقتصاد» با توجه به تجربه آزمون و خطاهایی در این ابرآزمایشگاه جهانی در منطقه زاغه‌نشینی نابرویی پایتخت کنیا، نوآوگکنی برای متولی سکونتگاه‌های غیررسمی ایران انداخته تا درس‌های ۲۱ ساله در بزرگ‌ترین محله زاغه‌نشینی جهان را در سیاست‌های بهسازی خود لحاظ کنند.

۱۰ مشخصه اصلی زاغه‌نشین‌های کیبرا

کیبرا محله‌ای در نابرویی پایتخت کنیا که بزرگ‌ترین محله زاغه‌نشین جهان را به خود اختصاص داده از سال ۲۰۰۴، به آزمایشگاه جهانی برنامه اسکان سازمان ملل (هیبنات) برای حل بحران بدمسکن‌ها تبدیل شده است. تا سپتامبر ۲۰۱۰، کیبرا به عنوان دومین محله فقیرنشین بزرگ آفریقا در نظر گرفته می‌شد که طبق منابع اطلاعاتی و رسانه‌ها جمعیتی بین یک تا دو میلیون نفر داشت.

در منطقه کیبرا، حدود ۹۰ درصد مستاجر و تنها ۱۰ درصد مالک ساختمان هستند که اصلا در این منطقه زندگی نمی‌کنند. اما اجاره ماهانه‌ای را از مستاجران دریافت کرده و از این پول برای توسعه مسکن در مناطق دیگر نابرویی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، اجاره‌بها حدود ۵۰ درصد از درآمد ماهانه زاغه‌نشین‌ها را می‌بلعد. فقرای شهری نابرویی - که عمدتا در بخش غیررسمی کار می‌کنند - فقط می‌توانند از پس هزینه‌های زندگی در محله‌های فقیرنشین برآیند. میانگین اجاره ماهانه برای یک واحد مسکونی ارزان‌قیمت در مکان‌هایی مانند لوموجا تقریبا ۷ هزار شیلینگ در ماه است که برای کسی که کمتر از ۲۰ هزار شیلینگ درآمد دارد به‌خصوص وقتی هزینه غذا، حمل‌ونقل و شهریه مدرسه را در نظر بگیرید، غیرقابل پرداخت است. در محله‌های فقیرنشین اگر بسیاری از آنها تمام عمر خود را در آنجا بگذرانند، آرزوی آنها این بود که سرانجام پس از بهبود درآمدشان، نشان داد که یک فرد نابرویایی به طور متوسط کمتر از ۳۰ هزار شیلینگ در ماه درآمد دارد در آمدی که نمی‌تواند هیچ نوع طرح وام مسکن، حتی برای مسکن کم‌خرآمدها را پوشش دهد.

نابرویی برای حل معضل بدمسکن‌ها به‌ویژه در منطقه کیبرا دو تجربه (موفق و شکست‌خورده) را طی ۲۱ سال پشت سر گذاشت. در اولین گام، دولت کنیا با مشارکت مستقیم «هیبنات» در سال ۲۰۰۴ پروژه قفرزدایی از «کیبرا» به متظور انتقال بدمسکن‌ها با همان «جابه‌جایی امن» و استراتژ زد این طرح با مشارکت سخاملی دولت، جوامع محلی و نهادهای شهری و البته بخش خصوصی تحقق پذیرفت.

در این طرح، یک شهرک مسکونی کوچک تحت عنوان «مرزمین موعود» در مجاورت «کیبرا» ساخته شد اما شکست خورد و باعث بازگشت ۹۰ درصد جمعیت انتقال یافته به کیبرا شد. کیبرا از سال ۲۰۰۴ شاهد سه پروژه بهبود وضعیت بوده اما هیچ کدام زندگی ساکنان را به طور قابل توجهی بهبود نبخشیده است.

طبق تحقیقات Urban ARK، یک برنامه تحقیقاتی جهانی، دلایل اصلی این امر فساد مدیریت ضعیف و عدم‌شورت با ساکنان محله‌های فقیرنشین است. به عنوان مثال، برنامه بهبود وضعیت محله‌های فقیرنشین سازمان ملل متحد در کیبرا که به انتقال ۱۲۰۰ خانواده به واحدهای مسکونی یلتمره به متجر شد با شکایت‌هایی از سوی ساکنانی مواجه شد که ادعا می‌کردند تخصیص‌ها ناعادلانه انجام شده است. مطالعات همچنین نشان داده است که بسیاری از افراد ذی‌نفع در نهایت واحدهای خود را اجاره دادند (زیرا به درآمد اضافی نیاز داشتند یا نمی‌توانستند از پس بازپرداخت‌ها برآیند) و به محله فقیرنشین بازگشتند. تلاش‌ها برای بیرون راندن ساکنان محله‌های فقیرنشین به دلایل زیادی شکست خورده است.

علاوه بر این، اکثر ساکنان محله‌های فقیرنشین خود را ساکنان موقت محله‌های فقیرنشین می‌دانند (حتی اگر بسیاری از آنها تمام عمر خود را در آنجا بگذرانند). آرزوی آنها این بود که سرانجام پس از بهبود درآمدشان، از محله فقیرنشین به مسکن بهتر نقل مکان کنند یا از پولی که در شهر به دست می‌آورند برای بهبود مسکن خود در روستاهای خود استفاده کنند. ساکنان محله‌های فقیرنشین در نابرویی آرزوی خانه‌های بهتر در شهر را نداشتند بلکه آرزوی درآمد بالاتر و پایدارتر را داشتند (که خروج نهایی آنها از محله فقیرنشین را تسهیل می‌کند).

ساکنان محله‌های فقیرنشین در نابرویی همچنین تلاش‌های دولت و سایر سازمان‌ها برای ارتقای محله‌های فقیرنشین را به عنوان تمرین‌های تخلیه محله‌های فقیرنشین در جهت ارتقا می‌بینند که چندان هم دور از واقعیت نیست. برای مثال، در موملباسا، ۵۲۰ مستاجر از ملک بوکستون بیرون رانده شدند تا راه برای یک پروژه به اصطلاح مسکن کم‌هزینه که فقط به نفع طبقات ثروتمند و متوسط بود، هموار شود. ۹۰ درصد از اخراجی‌ها به محله‌های فقیرنشین دیگر نقل مکان کردند زیرا توانایی نقل مکان به این واحدها را نداشتند. آنچه حتی رسوا کننده‌تر است این است که ۹۰ درصد از واحدها به توسعه‌دهنده اختصاص داده شد. دولت شهرستان موملباسا تنها ۱۰ درصد را دریافت کرد. این پروژه به جمعیت محله‌های فقیرنشین موملباسا را کاهش داد و نه زندگی آنها را بهبود بخشید.

تجربه نشان داده است که اینکارات ارتقای محله‌های فقیرنشین یا به‌نفع توسعه‌دهندگان مسکن است یا به‌نفع ثروتمندان و طبقات متوسطی که توانایی خرید واحدهای ارتقا یافته را دارند. همان‌طور که در پرونده یوکستون نشان داده شده است، تلبا با توجه به سبک اقتدارگرایانه دولت فعلی و بی‌اعتنایی آن به مشارکت عمومی، با مشوت با کتیایی‌های آسیب‌دیده، شاید هدفی این نباشد که کیفیت زندگی ساکنان کیبرا بهتر شود، بلکه هدف تصاحب ۴۳۰ هکتار زمین دولتی است که آنها در آن زندگی می‌کنند.

این طرح باعث شد تا سرانه خدمات شهری از ۱۰ درصد به ۴۰ درصد در سکونتگاه‌های غیررسمی افزایش یابد و بسیاری از خانواده‌ها حس تعلق و مالکیت بیشتری به خانه خود پیدا کنند. همچنین ساختارهای جدید پایه سبک زندگی محلی و سبک شغلی فقرای ساکن طراحی و بازسازی شد (مثلا افسارهای مشاغل خانگی فروشندگی، انبار خانگی، به‌طوری که این طرح الگوی کشورها برای نحوه مقابله با پدیده فقر مسکن است.

با وجود این، چالش‌هایی پیش روی این طرح قرار دارد. شاید محدود بودن متابع مالی مهم‌ترین آن باشد که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بیشتری است و فساد و متافع سیاسی هنوز هم در برخی پروژه‌ها دخالت دارند. علاوه بر این، زمین‌ها همچنان مالکان خصوصی دارند و مساله حقوق مالکیت باید حل شود. همچنین، قیمت زمین در نابرویی به سرعت بالاست و همین باعث می‌شود تا بخش خصوصی گاهی انگیزه ساخت مسکن ارزان را نداشته باشد.

صدیقه نژادقربان

دیدگاه

خیلی وقت‌ها مردم نمی‌خواهند ببینند در دنیا چه خبر است

بروس گیلدن

من خودم را یک روزنامه‌نگار نمی‌دانم عکس‌های من برای دیده شدن در نمایشگاه‌ها و بر روی دیوارها خلق شده‌اند آن‌ها بر روی دیوار زیبا به نظر می‌رسند و در عین حال سوژه‌ای را به تصویر می‌کشند که ممکن است برای برخی افراد سنگین و دشوار باشد. این یک جور تناقض است. چون خیلی وقت‌ها مردم نمی‌خواهند ببینند در دنیا چه خبر است. اما اگر کسی آنچه را که در جهان اتفاق می‌افتد ثبت نکند آن وقت مردم می‌توانند به سادگی به واقعیت‌های موجود پشت کنند.

امیدولوم کسانی که به عکاسی علاقه‌مندند با وارد یک نمایشگاه می‌شوند یا یکی از کتاب‌هایم را باز می‌کنند ـــ چیزی از این اتفاقاتی که در دنیا در حال وقوع است به آگاهی و وجدانشان نفوذ کند. زیرا دنیا تنها چیزی است که داریم. اما بهترین مکان هم نیست می‌توانست جایی [بسیار] بهتر باشد. (در گفت‌وگوی منتشر شده در ویمایت ASX در سال ۲۰۱۰)

منبع: گفتار

محیط زیست

تغییرات اقلیمی، عامل گسترش قارچ‌های بیماری‌زا در انسان

مطالعات تخصصی نشان دادند تغییرات اقلیمی موجب گسترش قارچ‌هایی شده است که باعث بروز عفونت در انسان می‌شوند.

به گزارش پیام آشنا: به نقل از ایسنا، متخصصان در این مطالعه می‌گویند تغییرات اقلیمی ممکن است میلیون‌ها نفر از مردم دنیا را در خطر ابتلا به قارچ‌های بیماری‌زا قرار دهد. قارچ‌هایی که احتمالا به دلیل افزایش دمای جهانی در حال گسترش هستند.

به گفته متخصصان دانشگاه متچستر، در سال‌های آینده به دلیل تغییرات اقلیمی، احتمال ابتلا به عفونت‌های ناشی از قارچ‌های مضر به‌طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

بر اساس مطالعه‌ای که در پلتفرم پیش‌چاپ Research Square منتشر شده و هنوز تحت داوری علمی قرار نگرفته است، دانشمندان تاثیر افزایش دما بر پراکندگی جهانی سه قارچ بیماری‌زا را در سناریوهای مختلف اقلیمی تا سال ۲۱۰۰ بررسی و ترسیم کردند. این قارچ‌ها با عنوانین علمی Aspergillus flavus، Aspergillus fumigatus و Aspergillus niger شناخته می‌شوند.

به طور کلی قارچ‌هایی از خانواده Aspergillus که در آب‌وهوای گرم و مرطوب رشد می‌کنند، در حال حاضر در سراسر جهان از جمله ایالات متحده یافت می‌شود و می‌توانند انسان‌ها، حیوانات، دام‌ها و گیاهان را تحت تأثیر قرار دهند.

با این حال پژوهشگران می‌گویند: بر اساس پیش‌بینی‌های فعلی مربوط به میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، طی ۱۵ سال آینده ممکن است «گسترش قابل توجهی» از برخی عوامل بیماری‌زای قارچی در اروپا و فراتر از آن رخ دهد.

در این مقاله تأکید شده که بر اساس این ستاریو، گسترش قارچ A. flavus می‌تواند ۱۶ درصد افزایش یابد و یک میلیون نفر دیگر را در اروپا در معرض خطر عفونت قرار دهد.

به گزارش شبکه خبری اس‌بی‌سی قارچ دیگری به نام A. fumigatus نیز ممکن است تا ۵/۷۷ درصد افزایش یابد و احتمالا ۹۱ میلیون نفر در اروپا در معرض خطر قرار دهد. این قارچ، ریه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یکی از رایج‌ترین عوامل بیماری‌زای مسئول عفونت‌های خطرناک و تهدیدکننده جان در انسان است.

نورمن فن رین، استاد دانشکده علوم زیستی دانشگاه متچستر و نویسنده اصلی این مقاله در دیلی‌های گفت: تغییر در عوامل محیطی مانند رطوبت و رویدادهای شدید آب‌وهوایی زیستگاه‌ها را دگرگون کرده و موجب سازگاری و گسترش قارچ‌ها خواهد شد.

به گفته مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های آمریکا (CDC)، هاگ‌های قارچی که از طریق هوا منتقل می‌شوند، می‌توانند در صورت استنشاق باعث عفونت در انسان شوند. به‌ویژه در جمعیت‌های آسیب‌پذیر و افرادی با سیستم ایمنی ضعیف یا بیماری‌های ریوی.

خبر

تصویب طرح ارتقای آمادگی مدیریت شهری برای شرایط اضطراری در پایتخت

اعضای شورای شهر تهران در مورد اقدامات شهرداری تهران در پی حملات ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی به بیان نظرات خود پرداختند و در نهایت طرح ارتقای آمادگی مدیریت شهری برای شرایط اضطراری در پایتخت در شورای شهر تهران تصویب شد.

به گزارش پیام آشنا: به نقل از ایسنا، اعضای شورای شهر تهران بعد از استماع سخن